



۲۰۱۲/۰۶/۱۲



جمشید آرش

مادر روزت مبارک!



مادر!

۲۴ جوزا مصادف است با روز تو، اما من دقیقاً نمی دانم این چندمین ۲۴ جوزا است که افتخار آن را نداشتم تا از نزدیک با تقدیم یک شاخه گل و بوسیدن دستان مهربان اما پینه بسته ات، این روز را به تو تبریک گویم، مسلماً عقده ام می گیرد و اشک از چشمانم سرازیر می شود و قتیکه می بینم چند و چندمین سال است که حتی نتوانستم چشمانم را به جمال تو روشن سازم و حتی برای لحظه ای هم، تو مهربان را از نزدیک ببینم. واه که چه زجرها کشیده ام وقتی که در دیار مهاجرت در نبود تو و بدور از دستان نوازشگرت سپری نموده ام.

میدانم بیاد داری روزی را که هنوز طفل خرد سالی بیش نبودم جنگ و وحشت سایه شومش را بر دیار من و تو گستراند و عمالان و مزدوران بیگانه و ادارم نمود تا تو و دیارم را رها نموده به جایی پناه ببرم تا زنده بمانم، اما این تنها سرنوشت غم انگیز من نیست که در عالم مهاجرت با آن مواجه ام، بل میلیون ها مثل من در فراق مادرش می سوزد و روزها را به شب می رساند میلیون ها مثل من زخم زبان های همشهریانی را تحمل می کنند که مقامات حکومت و مسؤولین بلند رتبه شان ما را به این روز انداخته و تمام آنچه را که به عنوان دارایی در اختیار داشتیم از ما بیرحمانه ستانده و حالا کار به جایی رسیده که با الفاظ رکیک چون افغونی کثافت، افغی، افاغنه روح و روان ما را می آزارند و حتی مناطق، محلات و پارک های تفریحی ای وجود دارد که مانند زمان نازی های آلمان ورود ما در آن ممنوع است.

هیچ کدام ما تقصیر نداریم که از شما دوریم، بل تقصیر به عهده حیوان های انسان نماها است که زندگی را بر ما حرام ساخته اند و دایره را تنگ، آنها به کشوری که من و تو زندگی مسالمت آمیز و توأم با آرامش و رفاه داشتیم، با اجیر نمودن مزدوران حلقه به گوش خویش، هجوم آورده و تمام هست و بود ما را با خاک سیاه یکسان کردند.

بیاد داری که چگونه گوشه هایی از کشور زیبای ما را به آتش خشم و کینه خود سوختند و چگونه ساکنان بی پناه دیگری را دسته دسته قتل عام نمودند، چگونه پیکره های بودا را که دارایی تاریخی و فرهنگی انسان و انسانیت بود منفجر ساخته و پارچه پارچه نمودند.

مادر! بیاد داری که آنها چگونه هزاران و میلیون مادری چون تو را به داغ عزیزان و جگرگوشه های شان نشانند و با بیرحمی تمام اولادهای شان را برای همیشه از آنها گرفتند و بیرحمانه سر بریدند.

مادر؛ می فهمم درد کیبل های که بر بدن نهیف و ضعیف ات از سوی این ارازل و مزدوران ددمنش بیگانه اثابت می کرد هیچگاهی فراموش نخواهی کرد و اینکه چه تعداد از جوانان و نو جوانان برومند سرزمینت در پیش چشمانت پرپر شدند را هر لحظه به یاد می آوری و بناءً تقصیر من نیست که نتوانستم خواسته های مادرانه ترا بر آورده سازم و از نزدیک خدمتت را نمایم و اعصای دستت شوم.

ولی این را بدان که همیشه مهربانی های تو را به یاد دارم و در صدد آنم تا روزی فرا رسد که همسایه های ناسپاس و بی مهر ما سر در گریبان خویش فرو برند و به گذشته ها و کارهای شومی که در حق ما کرده اند تعمق نموده و دست از لجاجت و ویرانی کشور ما بردارند و به من و میلیون ها آواره دیارم این فرصت را بدهند که به دیار خویش برگردند و با خانواده اش یکجا زندگی نمایند.

مادر! بزرگان گفته اند که دعای مادر کار ساز است، پس تو و هزاران مادر افغانستان، آنهایی که به نحوی از انحاء قربانی ظلم و بی عدالتی ها و جفاهای این ددمنشان و سفاکان تاریخ شده اند و هر بار بربریت و توهش این آدم نما هارا با گوشت و پوست خویش احساس نموده اند، دست دعا به سوی آسمان بردارند و از خدای قادر و توانا بخواهند که سایه شوم جنگ و ویرانی را از کشور ما برچیده و به جایش روزنه های امید و زندگی را عطا نماید تا آرامش توأم با رفاه را برای هموطنان خسته از جنگ دیارت هدیه نماید تا من و آنهایی که مثل من در اشتیاق دیدار مادران خود اند، به این آرزوی خویش برسند و از نزدیک با بوسیدن دستان مهربان و دلسوز مادران شان، روز مادر را برایشان تبریک بگویند.

پایان



مادر روزت مبارک

[Arash_jamshed_maadar_rozat_mobaarak.pdf](#)